

D

data	داده‌ها
data domain	قلمرو داده‌ها
مشاهدات و تجارب علمی‌ای که در هر زمان می‌توان با فرض وجود ابزار فنی همان زمان انجام داد. مثلاً در زمان حاضر روشهایی مثل سی تی اسکن، MRI و PET از مهمترین تعیین کنندگان قلمرو داده‌ها در عصب - روان‌شناسی به شمار می‌روند.	
data-driven processes	فرایندهای متکی به داده‌ها
فرایندهای پردازشی که بیشتر بر مبنای محرکها و داده‌های ورودی هدایت می‌شود، نه توسط ذهنیات فرد. به اینگونه فرایندها، پردازش صعودی هم گفته می‌شود. (نیز نك: bottom-up processes و conceptually driven processes)	
data-driven processing	پردازش متکی به داده‌ها
(نك: data-driven processes).	
data structure	ساختار داده‌ها
سازمان اطلاعات در يك برنامه رایانه‌ای	
daydream	رؤیای بیداری
تخیلات و رؤیاهایی که در حال بیداری فرد به آن مشغول می‌شود.	
decay theory	نظریه زوال، نظریه فرسودگی
نظریه‌ای در تبیین فراموشی که می‌گوید محفوظات با مرور زمان از بین می‌روند. به عبارت دیگر آنچه موجب فراموشی است محو شدن مدارها و پیوندهای عصبی مربوط به آن ماده حفظی بوده است. (نیز نك: proactive interference و retroactive interference).	
decidability	قطعیت
قطعیت روند تصمیم در مسیر راه حل يك مسئله (نیز نك: undecidability).	
decentration	میان‌واگرایی
از نظر پیاژه رشد شناختی در چند نوبت با بروز توانایی میان‌واگرایی همراه است. مهمترین مورد وقتی است که کودکی که تا کنون همه چیز را صرفاً بر محور بدن خود و اعمال خود می‌شناخت (نك: egocentrism) به تدریج پی می‌برد که اشیا، افراد و رویدادهای محیط بدون وابستگی به او هم وجود دارند و با هم روابطی دارند. مورد دیگر از بروز میان‌واگرایی وقتی است که کودک دیگر بر جنبه خاصی از شیء متمرکز نشود و بفهمد اشیا ابعاد و خصایص متعدد و گوناگون دارند که با هم مربوطاند. مثلاً کودک قبل از این مرحله ممکن است برای مقایسه مقدار آب دو لیوان فقط ارتفاعها را مقایسه کند اما به تدریج می‌فهمد که ممکن است زیاد بودن قطر يك لیوان کم بودن ارتفاع آن را جبران کند.	
decision making	تصمیم‌گیری
decision procedure	روند تصمیم، رویه داور
مسیر یا طرز عملی که می‌تواند با توالی معینی انجام شود به طوری که همواره به پاسخ خاصی (بله/خیر) به يك پرسش در قلمرو مورد جست و جو منجر گردد. وقتی روند تصمیم مربوط به يك مسئله یافته شود آن مسئله قابل تصمیم و قابل حل خواهد بود. مترادف با این مفهوم همان اصطلاح رویه مؤثر (effective procedure) است که مینسکی (Minsky) به کار برده است و آن عبارت است از مجموعه قواعد روشنی است که بدون این که نیاز به تفسیر داشته باشد در هر لحظه به دقت مراحل و چگونگی عمل را نشان می‌دهد.	
decision theory	نظریه تصمیم‌گیری
عنوان يك نظریه یا بحث در باره چگونگی انجام بهترین انتخابها در شرایط غیر قطعی.	
declarative	اخباری
در معنای خاص به نوعی گفتار با هدف (نك: speech act) گفته می‌شود که فرد با به زبان آوردن آن می‌خواهد خبری	

را به شنونده بدهد یا باب صحبت تازه‌ای را باز کند، مثل "هوای خوبی است".

دانش اخباری
declarative knowledge
دانستن یا به خاطر سپردن دانستنیها به صورت اخبار. در مقابل این مفهوم، دانش غیر اخباری (nondeclarative knowledge یا دانش عملی (procedural knowledge) قرار دارد.

حافظه اخباری
declarative memory
حافظه‌ای که از مجموعه معلومات اخباری تشکیل شده است و در مقابل حافظه غیر اخباری (nondeclarative memory) یا اجرایی (procedural memory) قرار دارد.

استنتاج قیاسی
deductive inference
استنتاج زمانی انجام می‌گیرد که فرد (یا ماشین) برای نتیجه‌گیری از شواهد در دسترس خود فراتر می‌رود. این استنتاج مبتنی بر مقدمه‌های بیان شده انجام می‌گیرد. اگر مقدمه‌ها صادق باشد نتیجه نیز معتبر خواهد بود.

استدلال قیاسی
deductive reasoning
در این استدلال شخص با فرض درستی چند گزاره نتیجه‌ای منطقی از آنها استنتاج می‌کند که در صورت درستی مقدمات، نتیجه هم قطعاً درست خواهد بود.

ژرف ساخت، ساختار عمقی
deep structure
ساختار عمقی و در مقابل آن ساختار سطحی (surface structure)، تمایزی است که چامسکی در مورد سطوح مختلف تحلیل در دستور گشتاری به کار برده است. ساختار سطحی از ساختار عمقی مشتق می‌شود. ساختار عمقی با ساختمان یک جمله واقعی سر و کار ندارد، بلکه با تکیه بر شباهتهای غیر ظاهری میان جملاتی که ظاهراً با هم فرق دارند به تعمیمهای کلی می‌رسد.

ارزش پیش‌گزیده، مقدار مفروض
default value
ارزشها یا وضعیتی که توسط یک سامانه درست فرض می‌شود تا وقتی چیز دیگری صریحاً جانشین آن شود.

ابطال پذیری، نسخ پذیری
defeasibility
قابل ابطال بودن گزاره‌ای که در حال حاضر درست تلقی می‌شود توسط شواهد آینده.

تعریف
definition
حدود و مشخصاتی که از مفاهیم در ذهن فرد وجود دارد یا بنابر موقعیت توسط فرد یا ماشین فرض می‌شود تا کار پردازش دقیقتر صورت گیرد.

روان آشفتگی
delirium
آشفتگی در توجه و هشیاری و بروز توهم و خطاهای حسی که غالباً به طور ناگهانی پس از آسیب به سر یا حالت صرع پیش می‌آید، و گاهی نیز به دنبال مصرف افراطی الکل و مواد پدید می‌آید.

هذیان
delusion
عقیده‌ای خطا و غیرعقلانی که فردی دارد و با وجود اینکه جامعه، فرهنگ، دلایل و داده‌ها علیه آن دلالت می‌کنند او از کنار گذاشتن آن خودداری می‌کند.

قاعده دلتا
delta rule
فرمولی برای اندازه‌گیری میزان یادگیری ماشین از راه تفاضل برون‌داد واقعی سامانه و برون‌داد مطلوب آن.

بیماری زوال عقل
dementia
پس روی تواناییهای عقلی، در این بیماری که معمولاً در سنین بالا روی می‌دهد، فرایندهای شناختی عالی مثل حافظه، تفکر و قضاوت دچار اختلال می‌شوند. این اختلال گاه تا حدی پیش می‌رود که فرد در انجام امور روزمره و معاشرت اجتماعی نیز ناتوان می‌شود. اگرچه این بیماری به همراه کهنوت سن ظاهر می‌شود، شواهدی وجود دارد که کهنوت سن به خودی خود باعث این نقیصه نیست بلکه نوعی اختلال در دستگاه عصبی است که به این حالت منجر می‌شود. (Alzheimer's disease: نیز نک).

دندرال
dendral
یکی از اولین نمونه‌های سامانه خیره که در دهه ۱۹۶۰ زیر نظر فیگن باوم (Feigenbaum) در دانشگاه استنفورد ساخته شد. این سامانه می‌توانست ترکیبات شیمیایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

دندریت
dendrite
بازو یا بازوهای کوچکتر سلول عصبی که تکانه عصبی را از سلولهای حسی یا سلول عصبی دیگر دریافت می‌کند و به پیکره سلولی خود انتقال می‌دهد.

متغیر وابسته
dependent variable
متغیری که تغییراتش را بر حسب تغییرات و تنوعات متغیر دیگر مطالعه می‌کنیم. متغیر دوم متغیر مستقل

(independent variable) نامیده می‌شود. مثلاً وقتی توانایی افراد در یادآوری کلمات یک فهرست را بر حسب داروهایی که به افراد داده می‌شود می‌سنجیم، تعداد کلمات یادآوری شده متغیر وابسته است و نوع دارو متغیر مستقل است. در یک پژوهش ممکن است بیش از یک متغیر مستقل یا متغیر وابسته در نظر گرفته شود.

depth-first search

جستجوی مقدم

عمقی

(نک: breadth-first search).

depth perception

ادراک عمق

این اصطلاح هم به معنای ادراک فاصله شیء از ناظر است و هم به معنای ادراک سه بعدی از خود شیء. با وجود اینکه تصاویری که روی شبکه می‌افتد دو بعدی است دید ما سه بعدی است. یک دلیل آن تفاوت منظر دو چشم (نک: stereopsis) است. لیکن هر چشم به تنهایی نیز از نشانه‌هایی برای ادراک سه بعدی بهره می‌برد.

detector cells

سلولهای ردیاب،

کاشف

سلولهای عصبی که وجود نوع خاصی از محرکهای بینایی (یا حس دیگر) را از میان انبوه محرکهای بینایی (با حس دیگر) دریافتی تشخیص می‌دهند.

determinism/free will

جبر و اختیار

بحث جبر و اختیار که به صورتهای مختلف در قلمروهای فلسفی مطرح بوده است.

development

رشد، تحول، تکوین،

توسعه

developmental psychology

روان‌شناسی رشد، روان

شناسی تحولی

device

ابزار، وسیله

dichotic listening

شنود دوگانه

رسیدن دو پیام صوتی متفاوت به گوش چپ و راست. چنین آزمایشی برای سنجش ادراک شنوایی انجام می‌گیرد.

dichromatism

بینایی دو فامی

ناتوانی در تفکیک سه رنگ اصلی. این اختلال منشأ ژنتیک دارد و مورد غالب آن به صورتی است که شخص دو تا از سه رنگ (معمولاً قرمز و سبز) را به صورت یک رنگ یا درجاتی از یک رنگ می‌بیند. (نک: color blindness)

digital systems

سامانه‌های رقمی

سامانه‌ای که در آن تغییرات به همراه انقطاعها و پرشهای پی در پی صورت می‌گیرد، بر خلاف سامانه‌های آنالوگ که در آن انتقال از حالتی به حالت دیگر به صورت تغییر پیوسته و بی انقطاع است.

diplopia

دو بینی

ناتوانی دستگاه بینایی در ترکیب تصاویری که دو چشم دریافت کرده‌اند. این باعث ناتوانی در ادراک سه بعدی می‌گردد.

direct perception

ادراک مستقیم، ادراک بی واسطه

عنوانی برای نظریه‌هایی که می‌گویند آنچه در ادراک حاصل می‌شود می‌تواند صرفاً حسی باشد و عملیات دیگری روی آن انجام نشده باشد. بنابر این نظریات، محرکهای حسی از لحاظ اطلاعاتی بسیار غنی‌تر از آن هستند که طرفداران ادراک سازنده (نک: constructive perception) فکر می‌کنند. فرایندهایی مثل سازماندهی، بسط و تفصیل یا تفسیر که روی داده‌ها انجام می‌گیرند شرط لازم ادراک نیستند، بلکه به آن اضافه می‌شوند.

directive

دستوری، امری

در معنای خاص به نوعی گفتار با هدف (نک: speech act) گفته می‌شود که فرد با به زبان آوردن آن می‌خواهد شنونده را به انجام واکنشی یا برآوردن تقاضایی وادارد، مثل "لطفاً در را ببند".

discourse

گفتمان، گفتار، نطق

discrete processing

پردازش جدا جدا

مدلی از پردازش اطلاعات که در آن پردازش مرحله به مرحله انجام می‌شود. یعنی باید پردازش اطلاعات در یک مرحله پایان یابد تا نوبت پردازش مرحله بعد برسد. این مدل در مقابل پردازش آشغاری (نک: cascade processing) است.

discrimination

تمیز، تمایز

افتراق، تبعیض، فهم تفاوت میان پیامها و اطلاعات مشابه. یادگیری ارائه پاسخهای غیر یکسان به محرکهای متفاوت.

discrimination reaction time

زمان واکنش تمیز

مدتی که طول می‌کشد تا موجود زنده تفاوت یک درون‌داد را از درون‌دادهای قبلی دریافته با آن به طور متفاوت برخورد کند یا پاسخ اختصاصی به آن بدهد.

disjunction problem

مسئله انفصال یا

جدایی

نظریه محتوای بازنمود باید بتواند توضیح دهد که چگونه یک بازنمود ممکن است بازنمای چیز اشتباهی باشد، یعنی چگونه بازنمود ممکن است چیزی را که عامل فعال سازی آن است درست بازنمایی کند و مواردی را که آن را فعال کرده و درست نیستند بازنمایی نکند.

disparity ,binocular

اختلاف منظر دو

چشمی

(نک: binocular disparity)

disposition

آمادگی، تمایل،

سرشت

آمادگی قبلی یا فطری انسان برای اکتساب یک حالت روانی یا یادگیری یک چیز.

distributed artificial intelligence

هوش مصنوعی توزیع

شده

نوعی از حل مسئله که مستلزم ارتباط بین بیش از یک رایانه است و هر رایانه است و هر رایانه بخشی از هوش را پردازش می‌کند.

distributed cognition

شناخت توزیع شده، شناخت

مشترک

منظور این است که افراد انسان در شناخت تنها عمل نمی‌کنند، بلکه با هم همکاری دارند. شناخت فاعل مفرد ندارد و هر کس شواهد تأیید یا رد برای دیگری فراهم می‌کند. نوعی حل مسئله که نیاز به ارتباط میان چند فکر کننده دارد.

distributed representation

بازنمایی توزیع شده

نوعی بازنمایی که از طریق فعال شدن چند واحد پردازشی به طور هم زمان در شبکه‌های عصبی صورت می‌گیرد.

divergent thinking

تفکر واگرا

تفکری که در آن فرد نظرات و راه‌های زیاد و متنوعی به نظرش می‌رسد که بعضی از آنها بدیع یا غیر مرسومند. این نوع تفکر همراه با خلاقیت و گاهی مترادف با خلاقیت دانسته شده است. (نک: conergent thinking)

divided attention

توجه پراکنده

سؤالی که با این مفهوم مربوط می‌شود این است که آیا شخص می‌تواند دو کار مختلف را به طور همزمان انجام دهد یا خیر. (نیز نک: focused attention).

Doctor program

برنامه دکتر

(نک: Eliza)

domain-specific knowledge

دانش حوزه خاص، دانش تخصصی

dopamine

دوپامین

نوعی ناقل عصبی که در مدارهای پاداش دهنده مغز عمل می‌کند.

double vision

دو بینی

(نک: diplopia)

drives

سائقها

انگیزه‌ها و امیالی که بیشتر منشأ درونی و بعضاً ریشه زیستی دارند.

dual-code theory of imagery

نظریه رمزدوگانه یا دو رمزی تصویر

ذهنی

مطابق این نظریه که پایویو (Paivio) آن را بسط داده است شناخت شامل فعالیت دو خرده سامانه است که با هم مرتبطند ولی کارکرد مستقل از هم دارند. یکی سامانه تصویری غیر کلامی که برای کار با اطلاعات مربوط به اشیا و رویدادها اختصاص یافته است، و دیگری سامانه کلامی که کارش ادراک و تولید گفتار معمولی و زبان اشاره است. برخی از پژوهشگران در پژوهشهای حافظه کوتاه مدت و دراز مدت و نیز در تحقیقات مربوط به مبانی مغزی حافظه،

وجود چنین سامانه‌های متمایزی را مورد تأیید قرار داده‌اند.

dual-coding

رمزگذاری دوگانه، نظریه دو نوع رمزگذاری

این عنوان دیگری است برای نظریه رمز دوگانه یا دو رمزی (نک: dual-code theory of imagery)

dualism

دو گانه انگاری

دوگانگی بدن / ذهن و روح / بدن، نظریه‌ای است که از زمان یونان قدیم مطرح بوده است. لیکن در بسیاری از موارد این مفهوم برای اشاره به نظریه دکارت به کار می‌رود. امروز هم دلایلی هست بر این که ذهن و مغز اگر چه به طور موازی و در رابطه با هم کار می‌کنند ولی یک چیز یا وجود واحد نیستند.

dual-route theory of reading

نظریه دو مسیری خواندن

بر طبق این نظریه ما برای تلفظ درست کلمات یک متن از دو طریق استفاده می‌کنیم. در مواردی که تلفظ مطابق دیکته کلمه است، که بیشتر چنین است، نگاشته‌ها (نک: grapheme) را به واحدهای (نک: phoneme) معادلشان تبدیل می‌کنیم. اما این قاعده عمومی نیست، زیرا کلمات بسیاری وجود دارند که تلفظ آنها بدون توجه به معنی آنها ممکن نیست و باید از طریق دیگر یعنی با مراجعه به واژگان ذهنی به تلفظ آنها پی برد. در تصحیح یا تکمیل این نظریه باید گفت که این دو طریق با هم نیز استفاده می‌شوند. خواننده در حین تلفظ هر کلمه، بسته به مورد، از هر یک از دو طریق تا حدی استفاده می‌کند. نکته دیگر این که بر عکس زبان انگلیسی، در زبان فارسی به دلیل ظاهر نبودن حرکات (زیر و زبر)، طریق دوم غالب است یعنی تلفظ اکثر کلمات بدون توجه به معنا ممکن نیست.

dual-task performance

اجرای تکلیف دوگانه

اجرای همزمان دو کار با دستورالعمل‌های متفاوت. مطالعات روی عملکرد انسان هنگامی که باید توجه خود را روی دو کار همساز یا ناهمساز توزیع کند و به طور ارادی کنترل کند یا هنگامی که به او دو یا چند تکلیف شناختی مختلف داده می‌شود ما را در پی بردن به ساختمان و محدودیتهای دستگاه شناختی انسان کمک می‌کند. چنین مطالعاتی می‌تواند روشن سازد که آیا دو عمل شناختی مثل حل یک مسئله در دفتر و گوش دادن به رادیو با هم ممکن است و چه اثری بر هر یک از دو عمل دارد. (نیز نک: performance operating characteristics)

duration

مدت، دیریش

مدت دوام اطلاعات در حافظه.

dynamic system

نظام پویا

مجموعه‌ای از اشیاء در حال تعامل که تغییرات آن به وسیله معادلات ریاضی قابل توصیف است.

dysarthria

نارساگویی عضوی

ناتوانی کلی یا جزئی در ایجاد حرکات لازم در اندام صوتی برای تولید گفتار که ناشی از نقص و عیب در ماهیچه‌ها و اندام حرکتی باشد. (نیز نک: anarthria)

dyscalculia

محاسبه پریشی، اختلال در محاسبه

ناتوانی در یادگیری اعمال مقدماتی ریاضی با وجود داشتن هوش بهنجار یا بالاتر. (نیز نک: acalculia)

dysgraphia

نوشتار پریشی، نارسا نویسی

ناتوانی در نوشتن با املا صحیح یا ناتوانی در به نوشتن در آوردن نظرات و حرفهای خود با وجود داشتن هوش بهنجار یا بالاتر به علت آسیب دیدگی مغزی. در نوع خاصی از این بیماری به خاطر سپاری املا کلمات ناآشنا برای فرد بسیار مشکل است زیرا او قادر نیست از روش زیر واژگانی (نک: sublexical procedure) استفاده کند.

dyslexia

خواندن پریشی، نارسا خوانی

ناتوانی در یادگیری خواندن (زبان مادری) با وجود داشتن هوش بهنجار یا بالاتر. (نیز نک: acquired dyslexia)